



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

گژدهم و گردآفرید

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۱ دی ۱۳۹۲ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

گژدهم و گردآفرید گژدهم (Gaždaham)، بنابر حماسه‌ی ملی ایران، نام پهلوان ایرانی دژ سپید، قلعه‌ای در نزدیکی مرز حایل ایران و توران، در طی دوران پادشاهی شاهان کیانی، نوذر و کی کاووس، بود. گژدهم در زمان کی کاووس مردی سال‌خورده بود که از نبرد با سهراب، آن گاه که وی به ایران حمله آورد و به دژ یاد شده تازید، درماند. پس از این که هژیر، نگهبان وقت دژ سپید، شکست خورد و به دست سهراب اسیر شد و گردآفرید، دختر گژدهم نیز در نبردی تن به تن از سهراب شکست یافت، وی کی کاووس را از حمله‌ی سهراب آگاه ساخت و سپس در طو



گژدهم و گردآفرید

گژدهم (Gaždaham)، بنابر حماسه‌ی ملی ایران، نام پهلوان ایرانی دژ سپید، قلعه‌ای در نزدیکی مرز حایل ایران و توران، در طی دوران پادشاهی شاهان کیانی، نوذر و کی کاووس، بود. گژدهم در زمان کی کاووس مردی سال‌خورده بود که از نبرد با سهراب، آن گاه که وی به ایران حمله آورد و به دژ یاد شده تازید، درماند. پس از این که هژیر، نگهبان وقت دژ سپید، شکست خورد و به دست سهراب اسیر شد و گردآفرید، دختر گژدهم نیز در نبردی تن به تن از سهراب شکست یافت، وی کی کاووس را از حمله‌ی سهراب آگاه ساخت و سپس در طول شب، همراه با ساکنان دژ سپید، آن جا را تخلیه نمود. ...

گرد آفرید (Gordāfarid)، دختر گژدهم، نقش رزمی جسورانه‌ای را در اپیزود سوگ‌وارانه‌ی رستم و سهراب ایفا می‌کند. به محض حمله‌ی سهراب به دژ سپید و شکست و اسارت پهلوان ایرانی، هژیر، گردآفرید زره به تن کرد و پهلوانان تورانی را به نبرد تن به تن فراخواند (1). با وجود این، او از سهراب، که فقط زمانی دریافت که حریف‌اش به جنس مقابل متعلق است که موفق شد کلاه‌خود او را بردارد، شکست خورد (2). از پس این حادثه، سهراب شیفته و دل‌باخته گردآفرید شد. اما گردآفرید، که خود را در نبرد هم‌تراز سهراب نمی‌دید، برای رهایی خویش، او را با دادن وعده‌هایی دروغین فریفت. پس سهراب را با خود تا به دروازه‌ی دژ برد، اما خود وارد شد و دروازه را پشت سر وی

بستند. به یاد ماندنی‌ترین بخش این اپیزود، گفت‌وگوی او با سهراب و پیش‌بینی‌اش در مورد بدفرجامی وی است.

1) چو آگاه شد دختر گزدهم / که سالار آن انجمن گشت کم / زنی بود بر سان گُردی سوار / همیشه به جنگ اندرون نام‌دار / کجا نام او بود گردآفرید / زمانه ز مادر چنین ناوَرید / بیوشید درع سواران جنگ / نبود اندر آن کار جایی درنگ / نهان کرد گیسو به زیر زره / بزد بر سر ترگ رومی گره / فرود آمد از دژ به کردار شیر / کمر بر میان، بادپایی به زیر / به پیش سپاه اندر آمد چو گرد / چو رعد خروشان یکی ویله کرد / که گردان کدام‌اند و جنگ‌آوران / دلیران و کارآزموده سران؟

2) چو آمد خروشان به تنگ اندرش / بجنید و برداشت خود از سرش / رها شد ز بند زره موی اوی / درفشان چو خورشید شد روی اوی / بدانست سهراب کاو دختر است / سر و موی او از در افسر است / شگفت آمدش، گفت: از ایران سپاه، / چنین دختر آید به آوردگاه

نوشته از جناب داریوش احمدی (کیانی)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «گزدهم و گردآفرید»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1433/pdf/گزدهم-و-گردآفرید.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹